



انحلال شرکتهای تجارتي

آرمان یعقوبی مقدم^۱

محمد رضا پاسبان^۲

چکیده:

انحلال شرکتهای تجاری به سه نوع ارادی، قهری و انحلال ناشی از حکم دادگاه تقسیم می‌شود. رابطه بین انحلال و ورشکستگی عموم و خصوص مطلق است: هر ورشکستگی به انحلال می‌انجامد اما هر انحلالی لزوماً به ورشکستگی نمی‌انجامد. اگرچه در لایحه اصلاحی قانون تجارت تفکیک فوق به طور مشخص ذکر نشده است اما با دقت در موادی همچون ۱۸۹، ۲۰۰، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت تفکیک فوق مشخص می‌گردد. تفکیک فوق منشا آثار متعددی است که ضرورت تفکیک را احتراز ناپذیر می‌گرداند. با این حال در آرای مراجع قضایی ما تفاوت شرایط تحقق این دو امر نادیده انگاشته شده و استنباط ناصحیح از مواد قانون، زمینه صدور رای خلاف قانون را رقم می‌زند. در این مقاله پس از ذکر مقدمه و تعاریف به شرایط و تفاوت‌های این دو امر پرداخته و سپس به بررسی آثار تفکیک بین آنها خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: انحلال شرکت، انحلال ارادی، انحلال قهری، مجمع عمومی فوق‌العاده

۱- دانشجوی مقطع ارشد حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبایی تهران، برگزیده بیست و چهارمین المپیاد دانشجویی سال ۱۳۹۸-گروه حقوق

۲- دانشیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

مقدمه:

یکی از موارد الزامی در تاسیس شرکت، تعیین مدت شرکت است. شرکت تاسیس یافته ممکن است در میانه راه منحل شود. مسایل ناشی از پایان حیات شرکت تجارتي کاملاً به مرگ اشخاص حقیقی شباهت دارد زیرا دغدغه اصلی قانون گذاران در این مرحله تادیه دیون شرکت و انجام تعهدات ناتمام و آنگاه تقسیم مانده اموال شرکت میان شرکا است معذک شخصیت فرضی شرکت تجارتي این قابلیت را فراهم نموده است که ابتدا این امور انجام پذیرد و سپس زوال شخصیت رخ دهد. از این رو اصطلاح انحلال شرکت تجارتي ناظر به لحظه‌ای است که شرکت تصمیم می‌گیرد فعالیت خویش را به انجام عملیات تصفیه یعنی اجرای تعهدات نا تمام و تادیه دیون و در تهاتر تقسیم مانده اموال شرکت میان شرکا محدود نماید و اصطلاح ختم عملیات تصفیه ناظر به لحظه‌ای است که شخصیت حقوقی شرکت زایل می‌گردد (کاویانی، ۱۳۹۶: ۲۱۲) در دکترین حقوقی به تفکیک موارد انحلال شرکت‌های تجاری پرداخته شده است اما به فواید و آثار این تفکیک‌ها پرداخته نشده است لذا در این مقاله ضمن تبیین اسباب انحلال شرکت‌های تجاری و فواید و آثار این تفکیک بین اسباب انحلال به نقد یک رای در خصوص انحلال شرکت سهامی خاص خواهیم پرداخت.

مبحث اول: تعاریف

۱-۱ ورشکستگی:

ورشکستگی در لغت به معنای حالت بازرگانی که در تجارت زیان دیده و بدهی او بیش از داراییش باشد؛ درماندگی در کسب و تجارت است (عمید، ۱۳۸۹: ۱۵۹) و در اصطلاح حقوقی حالت تاجری است که از پرداخت دیون خود متوقف شود یعنی نتواند تعهدات تجاری خود را عملی کند که قدر متیقن آن پرداخت دین حال معین است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵: ۷۴۱) دکتر جعفری لنگرودی در کتاب مبسوط در ترمینولوژی خود ورشکستگی را چنین تعریف می‌کند: وضع بازرگان عاجز از اجرای تعهدات بازرگانی است یعنی نتواند دیون حال خود را بدهد. توقف از دادن دیون، اعسار است. ملاک این توقف دارایی حاضر است نه مالهایی که از دسترس به دور است؛ یعنی در دارایی حاضر اگر قسمت مثبت دارایی کمتر از قسمت منفی باشد حالت ورشکستگی تاجر محقق است. در تحقق ورشکستگی صدور حکم اعلامی دادگاه بر تحقق وضع ورشکستگی ضرورت دارد (همان) ورشکستگی وصفی است برای تاجر یا شرکت تجارتي که از عهده پرداخت وجوه بر عهده خود برنیاید (انصاری، طاهری، ص ۲۱۲) در قانون تجارت تعریفی از ورشکستگی نشده است، با این حال می‌توان ورشکستگی را عبارت از توقف تاجر و به دنبال آن ناتوانی در ادای

دیون تجاری حال خود دانست.

۱-۲- مجمع عمومی فوق العاده:

این مجمع برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم درباره امور استثنایی و شرایط فوق العاده که تصمیم‌گیری در مورد آنها از حیث اختیار و صلاحیت مجمع عمومی خارج باشد، تشکیل می‌شود. لذا، زمان و موعد خاصی برای تشکیل آن ضروری نیست و هر زمان که شرایط اقتضا کند منعقد می‌شود (پاسبان، ۱۳۹۷: ۱۸۵)

امروزه ورشکستگی از مسائل مبتلابه شرکت‌های تجاری است. ورشکستگی به نوعی بیماری مسری است و طبیعتاً هر چقدر معاملات شرکت‌های تجاری بیشتر باشد افراد بیشتری در صورت ورشکستگی شرکت متحمل ضرر خواهند شد، با توجه به این امر قانون‌گذار مهلت کوتاه سه روزه را جهت اعلام ورشکستگی شرکت‌های تجاری در ماده ۴۱۳ ق.ت مقرر نموده است. ورشکستگی در مفهوم دقیق از امور حسبی است منتهی رویه حال حاضر دادگاه‌ها ورشکستگی را امری ترافعی می‌داند. صرف نظر از آثار حسبی یا ترافعی دانستن ورشکستگی که در این مختصر نمی‌گنجد مطابق ماده ۴۱۵ ق.ت تقاضای ورشکستگی تاجر از جمله شرکت‌های تجاری بر حسب اظهار خود تاجر، یک یا چند نفر از طلبکاران یا دادستان صورت خواهد گرفت. علی‌رغم لزوم تعیین مدت شرکت در اظهارنامه، طرح اساسنامه شرکت، طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام،^۲ ورقه تعهد سهم،^۳ اطلاعیه انتشار اوراق قرضه^۴ و ورقه قرضه^۵ اغلب شرکت‌های تجاری برای مدت نامحدود تشکیل می‌گردد. جواز این امر از مفهوم مخالف بند ۴ ماده ۱۷۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت برداشت می‌شود. در ادامه به بررسی اسباب انحلال شرکت‌های تجاری در پرتو قانون تجارت و لایحه اصلاحی قانون تجارت خواهیم پرداخت.

۴

- ۱- اظهارنامه مذکور در ماده ۶ باید با قید تاریخ به امضا کلیه مؤسسين رسیده و موضوعات زیر مخصوصاً در آن ذکر شده باشد: ... بند ۸- مدت شرکت
- ۲- طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضا مؤسسين رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد: ... بند ۳- مدت شرکت
- ۳- طرح اعلامیه پذیرهنویسی مذکور در ماده ۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد: ... بند ۴- مدت شرکت
- ۴- ورقه تعهد سهم باید مشتمل بر نکات زیر باشد: بند ۱- نام و موضوع و مرکز اصلی ومدت شرکت...
- ۵- اطلاعیه انتشار اوراق قرضه باید مشتمل بر نکات زیر بوده و توسط دارندگان امضای مجاز شرکت امضا شده باشد: ... بند ۵- مدت شرکت
- ۶- ورقه قرضه باید شامل نکات زیر بوده و به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام مقرر شده است امضا شود: ... بند ۵- مدت شرکت

مبحث دوم: اسباب انحلال شرکت‌های تجاری

ابتدا به دو طریق انحلال شرکت‌های تجاری که در دکترین حقوقی کمتر بدان پرداخته شده است می‌پردازیم که آن‌ها انحلال از طریق بطلان شرکت و انحلال ناشی از ادغام و تجزیه شرکت تجاری است. انحلال شرکت به علت بطلان یا ابطال به حکم دادگاه در دسته بندی جهات انحلال شرکت مذکور در ماده ۱۹۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷، نیامده است. گویا که در نزد قانون‌گذار این طریق از پایان حیات شرکت، انحلال محسوب نمی‌شده است. در حالی که بطلان و یا ابطال شرکت چه در لغت و چه از نقطه نظر حقوقی از مصادیق انحلال به شمار می‌آید (پاسبان، ۱۳۹۷:۳۸۰) ادغام و تجزیه شرکت‌های تجاری از اسباب انحلال شرکت هستند؛ زیرا در اثر ادغام یا تجزیه، شخصیت حقوقی شرکت‌هایی که در شرکت دیگر ادغام یا به شرکت‌های دیگر تجزیه می‌شوند، زایل می‌شود و اموال، تعهدات و شرکای آن‌ها به شرکت‌های بازمانده یا شرکت‌های جدیدی که در اثر تجزیه به وجود می‌آیند انتقال پیدا می‌کند. با وجود این، چون اموال و تعهدات کلاً به شخص یا اشخاص حقوقی دیگری انتقال می‌یابد بعد از انحلال ناشی از ادغام و تجزیه عملیات تصفیه اجرا نمی‌شود؛ از این رو، ادغام و تجزیه را از اسباب انحلال بدون تصفیه گویند (قربانی، ۱۳۹۷: ۳۲۲-۳۲۳) در قانون تجارت و لایحه اصلاحی از ادغام یا تجزیه شرکت‌های تجاری بحثی نشده است و حتی این عناوین در هیچ یک از مواد این دو قانون استفاده نشده‌اند. در تبصره ۲ ماده ۳۰ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران^۷ و ماده ۱۰۵ قانون برنامه

۷- ماده ۳۰ - مجمع عمومی که بر اساس این قانون بالاترین مجمع اتخاذ تصمیم و نظارت در امور شرکت‌های تعاونی می‌باشد، از اجتماع اعضای تعاونی یا نمایندگان تام‌الاختیار آنها به صورت عادی و فوق‌العاده تشکیل می‌شود و هر عضو بدون در نظر گرفتن میزان سهم فقط دارای یک رأی است.

تبصره ۱ - در شرکت‌های تعاونی هر یک از دستگاهها و شرکت‌های دولتی، بانکها، شوراهای اسلامی کشوری و سازمانهای عمومی که در تعاونی مشارکت یا سرمایه‌گذاری کرده‌اند می‌توانند نماینده‌ای برای نظارت و بازرسی در تعاونی و شرکت در جلسات مجمع عمومی و هیأت مدیره به عنوان ناظر داشته باشند.

تبصره ۲ - انحلال، ادغام یا تغییر موادی از اساسنامه تعاونی که مغایر شروط و قراردادهای منعقد شده با منابع تأمین‌کننده اعتبار و کمک مالی و امکانات مختلف و سرمایه‌گذاری و مشارکت باشد موکول به موافقت مراجع مذکور خواهد بود.

۸ الف ادغام شرکت‌های تجاری، مادامی که موجب ایجاد تمرکز و بروز قدرت انحصاری نشود، به شکل یک جانبه (بقاء یکی از شرکت‌ها - شرکت پذیرنده) و ادغام دو یا چند جانبه (محو شخصیت حقوقی شرکت‌های ادغام‌شونده و ایجاد شخصیت حقوقی جدید - شرکت جدید)، در چهارچوب اساسنامه آن شرکت در سایر شرکت‌های تجاری موضوع ادغام، مجاز است.

امور موضوع این بند شامل مواردی که شرعاً قابل انتقال نمی‌باشد نمی‌گردد.

کلیه حقوق و تعهدات، دارائی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکت‌های موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید منتقل می‌شود.

کارکنان شرکت‌های موضوع ادغام به شرکت پذیرنده یا شرکت جدید انتقال می‌یابند. در صورت عدم تمایل

پنجم توسعه^۸ به طور کلی به ادغام و تجزیه شرکت‌ها پرداخته شده است.

۲-۱ شرکت سهامی

اسباب انحلال این شرکت در مواد ۱۹۹ و ۲۰۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت آمده است:

شرکت سهامی در موارد زیر منحل می‌شود:

۱- وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن

غیر ممکن شده باشد.

۲- در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده

باشد مگر این که مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد.

۳- در صورت ورشکستگی.

۴- در هر موقع که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام به هر علتی رأی به انحلال

شرکت بدهد.

۵- در صورت صدور حکم قطعی دادگاه.

ماده ۲۰۱- در موارد زیر هر ذینفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد.

۱- در صورتی که تا یک سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام

موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتی که فعالیت‌های شرکت در مدت بیش از یک

سال متوقف شده باشد.

۲- در صورتی که مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حساب‌های هر یک از

سال‌های مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه تعیین کرده است تشکیل نشده باشد.

۳- در صورتی که سمت تمام یا بعضی از اعضای هیأت مدیره و همچنین سمت مدیر

عامل شرکت طی مدتی زائد بر شش ماه بلا متصدی مانده باشد.

برخی کارکنان با انتقال به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید، مزایای پایان کار مطابق مقررات قانون کار توسط شرکت مزبور به کارکنان یادشده پرداخت می‌شود. در مورد نیروی کار مازاد مطابق قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۲/۵/۲۶ عمل می‌شود.

سرمایه شرکتی که از ادغام شرکت‌های موضوع این بند حاصل می‌گردد تا سقف مجموع سرمایه شرکت‌های ادغام شده در آن، از پرداخت مالیات موضوع ماده (۴۸) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحیه‌های آن معاف است.

ب- دولت موظف است شرایط پیشگیری از ایجاد تمرکز، اعمال بروز قدرت و انحصار و همچنین دامنه مفید و مجاز ادغام‌ها را مطابق فصل (۹) قانون «اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» پیش‌بینی نماید.

۴- در مورد بندهای «یک» و «دو» ماده ۱۹۹ در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام جهت اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود و یا رأی به انحلال شرکت ندهد. تمام این موارد انحلال قابل دسته بندی در سه دسته انحلال ارادی (بند ۱، ۲، ۴ ماده ۱۹۹)، انحلال قهری (بند ۳ ماده ۱۹۹) و انحلال ناشی از حکم دادگاه (بند ۵ ماده ۱۹۹) است. بدیهی است تمام موارد انحلال ماده ۲۰۱ انحلال ارادی هستند که با حکم دادگاه اعلام می گردند.

۲-۲ شرکت با مسئولیت محدود:

اسباب انحلال این شرکت تجاری در برخی موارد با انحلال شرکت های سهامی یکسان و در برخی موارد متفاوت است:

مطابق ماده ۱۱۴ قانون تجارت:

شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می شود:

الف- در مورد فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۱۹۹.

ب- در صورت تصمیم عده از شرکا که سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد.

ج- در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکا تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند.
د- در مورد فوت یکی از شرکا اگر به موجب اساسنامه پیش بینی شده باشد.
موارد مذکور در این ماده به ترتیب انحلال ارادی (بند الف) به استثنای ورشکستگی، انحلال ارادی (بند ب)، انحلال ناشی از حکم دادگاه و انحلال ارادی می باشد.

۲-۳ شرکت تضامنی:

مطابق ماده ۱۳۶ قانون تجارت - شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می شود:

الف- در مورد فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۹۳.

ب- در صورت تراضی تمام شرکا.

ج- در صورتی که یکی از شرکا به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلایل را موجه دانسته، و حکم به انحلال بدهد.

د- در صورت فسخ یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۷.

ه- در صورت ورشکستگی یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۸.

و- در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰. تبصره- در مورد بند-ج- هر گاه دلائل انحلال منحصرأً مربوط به شریک یا شرکا معین باشد محکمه می‌تواند به تقاضای سایر شرکا به جای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد.

ماده ۱۳۷- فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرک سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتباً به شرکا اعلام شود.

اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به عمل می‌آید.

ماده ۱۳۸- در مورد ورشکستگی یکی از شرکا انحلال وقتی صورت می‌گیرد که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد.

ماده ۱۳۹- در صورت فوت یکی از شرکا بقاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکا و قائم مقام متوفی خواهد بود.

اگر سایر شرکا به بقای شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقای شرکت کتباً اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمالی شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهمیم نخواهد بود. سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است.

ماده ۱۴۰- در مورد محجوریت یکی از شرکا مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد. موارد مذکور در ماده ۱۳۶ قانون تجارت به ترتیب انحلال ارادی به جز ورشکستگی (بند الف)، انحلال ارادی (بند ب)، انحلال ناشی از حکم دادگاه (بند ج)، انحلال ارادی (بندهای د، ه، و) می‌باشد. مضافاً در ماده ۱۲۷ قانون تجارت نیز به خوبی تفکیک بین انحلال ارادی و انحلال قهری (ورشکستگی) پرداخته شده است: به ورشکستگی شرکت تضامنی بعد از انحلال نیز می‌توان حکم داد مشروط به اینکه دارایی شرکت تقسیم نشده باشد.

۲-۴ شرکت مختلط غیر سهامی:

مطابق ماده ۱۶۱ قانون تجارت: مقررات مواد ۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹ و ۱۴۰ در مورد شرکت‌های مختلط غیر سهامی نیز جاری است.

مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی یکی از شرکاء یا شرکاء با مسئولیت محدود موجب

انحلال شرکت نمی‌شود.

موارد انحلال شرکت مختلط غیر سهامی همان است که در شرکت‌های تضامنی اشاره کردیم به استثنای این که مرگ، حجر و ورشکستگی یکی از شرکا یا مرگ، حجر و ورشکستگی شرکا با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت مختلط غیر سهامی نخواهد شد.

۲-۵ شرکت مختلط سهامی:

مطابق ماده ۱۸۱ قانون تجارت: شرکت مختلط در موارد ذیل منحل می‌شود:

(الف) در مورد فقرات ۱-۲-۳ ماده ۹۳.

(ب) بر حسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد.

(ج) بر حسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکاء ضامن.

(د) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء ضامن مشروط بر این که انحلال شرکت در این موارد در اساسنامه تصریح شده باشد.

در مورد فقرات (ب) و (ج) حکم ماده ۷۲ جاری است.

تمام موارد انحلال شرکت مختلط سهامی انحلال ارادی می‌باشد به جز ورشکستگی که طریق انحلال قهری شرکت می‌باشد.

>

۲-۶ شرکت نسبی:

مطابق ماده ۱۸۹ قانون تجارت: مفاد ماده ۱۲۶ (جز مسئولیت شرکا که به نسبت سرمایه آنهاست) و مواد ۱۲۷ تا ۱۳۶ در شرکت‌های نسبی نیز جاری است. موارد انحلال شرکت نسبی همان مواردی است که در ذیل بحث از شرکت تضامنی اشاره کردیم.

۲-۷ شرکت تعاونی:

مطابق ماده ۵۴ - شرکتهای و اتحادیه‌های تعاونی در موارد زیر منحل می‌شوند:

۱ - تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده.

۲ - کاهش تعداد اعضا از حد نصاب مقرر در صورتی که حداکثر ظرف مدت ۳ ماه تعداد اعضا به نصاب مقرر نرسیده باشد.

۳ - انقضای مدت تعیین شده در اساسنامه مربوط در صورتی که در اساسنامه مدت تعیین شده باشد و مجمع عمومی مدت را تمدید نکرده باشد.

- ۴- توقف فعالیت بیش از یکسال بدون عذر موجه.
- ۵- عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط پس از ۳ بار اخطار کتبی در سال به وسیله وزارت تعاون بر طبق آیین نامه مربوط.
- ۶- ورشکستگی طبق قوانین مربوط.
- تبصره ۱- پس از اعلام انحلال و ثبت بلافاصله آن در اداره ثبت محل، تصفیه طبق قانون تجارت صورت می‌گیرد.
- تبصره ۲- در بندهای دوم و چهارم و پنجم وزارت تعاون بلافاصله طبق آئین نامه مربوط انحلال تعاونی را به اداره ثبت محل اعلام می‌نماید.
- تبصره ۳- اعلام نظر وزارت تعاون در مورد بندهای ۴ و ۵ در دادگاه صالح قابل شکایت و رسیدگی می‌باشد.
- تبصره ۴- کلیه اموالی که از منابع عمومی دولتی در اختیار تعاونی قرار گرفته با انحلال آن باید مسترد شود.
- تمام موارد مقرر در این ماده از اسباب انحلال ارادی شرکت تعاونی هستند به استثنای ورشکستگی که طریق قهری انحلال شرکت می‌باشد.

مبحث سوم: اختیارات و وظایف مجمع عمومی فوق‌العاده

وظایف و اختیارات مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت‌های تجاری را می‌توان در هشت مورد احصا نمود:

- ۱- تغییر در اساسنامه شرکت
 - ۲- تغییر در سرمایه شرکت
 - ۳- انحلال پیش از موعد شرکت
 - ۴- تبدیل سهام از با نام به بی‌نام و بالعکس
 - ۵- تصمیم به صدور سهام ممتاز یا تغییر در امتیازات مربوط به آنها
 - ۶- انتشار اوراق مشارکت
 - ۷- تمدید مدت شرکت
 - ۸- تبدیل شرکت
- پرسش این است که آیا مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند در امور مربوط به حوزه صلاحیت مجمع عمومی عادی دخالت نماید؟ دو دیدگاه در پاسخ به این مساله مطرح شده است:
- نخست آنکه، قانون‌گذار اختیارات مجمع عمومی فوق‌العاده را استثنایی بر صلاحیت مجمع عمومی عادی مقرر داشته، ولی عکس آن صادق نیست. بدین معنی که اموری

منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده قرار گرفته، در حالی که صلاحیت مجمع عمومی عادی منحصر به اختیارات احصا شده نیست. به علاوه، نه تنها مقررات حاکم بر هر دو مجمع یکسان است، بلکه حد نصاب تشکیل و تصمیم‌گیری در مجمع عمومی فوق‌العاده بالاتر از حد نصابهای یاد شده در مجمع عمومی عادی است. لذا، مجمع نخست به طریق اولی بر مجمع اخیر حاکمیت داشته و نباید منعی بر ورود مجمع عمومی فوق‌العاده به حوزه صلاحیت مجمع عمومی عادی متصور بود.

دیدگاه دوم، عبارت از آن است که اگرچه مقنن به انحصاری بودن برخی امور برای مجمع عمومی عادی بر خلاف مجمع عمومی فوق‌العاده تصریح ننموده، این بدان معنی نیست که دخالت مجمع اخیر در صلاحیت‌های مجمع عمومی عادی را تجویز نموده باشد. بالعکس، قانون‌گذار با تعریف دو مجمع مزبور به عنوان نهادهایی مجزا با کارکردهایی متفاوت، قصد ایجاد مرز مشخص میان حوزه صلاحیت‌های آن داشته است. افزون بر آن، انواع مجمع در ماده ۷۳ به تفکیک بیان گردیده، که نشانگر وجود و ماهیت حقوقی با کارکردهای گوناگون است. در غیر این صورت، به جای تقسیم بندی و سپس بیان مفصل ویژگی‌های متفاوت هر یک، قانون‌گذار باید یک مجمع را معرفی و فقط در امور خاص (فوق‌العاده) حد نصاب بالاتر تشکیل و تصمیم‌گیری مقرر می‌نمود. با ملاحظه مقررات ناظر به دو مجمع و نیز دیدگاه‌های مطروحه، نظر دوم از استحکام بیشتری برخوردار است (پاسبان، ۱۳۹۷: ۱۸۹-۱۹۰) از موارد برشمرده وظایف و اختیارات مجمع عمومی فوق‌العاده مشخص می‌شود که صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت تجاری منحصر به این موارد است و قابل گسترش یا محدودیت حتی در اساسنامه شرکت نیست. مضاف بر آن در صورتی که مجمع عمومی فوق‌العاده حق دخالت در مجمع عمومی عادی را بیابد حقوق شرکا نیز متزلزل می‌گردد. به طور مثال در صورتی که برای تصویب سود سالانه مجمع عمومی عادی تشکیل جلسه بدهد اما مجمع جلسه را از حالت عادی به فوق‌العاده تغییر دهد و تصمیم به تغییر اساسنامه بدهد آیا حقوق سهامدارانی که در این مجمع با تصور این که مجمع عمومی عادی است نه فوق‌العاده، شرکت ننموده‌اند پایمال نخواهد شد؟

مبحث چهارم: نقد و بررسی دعوای انحلال شرکت‌های تجاری در رویه قضایی ایران
 پس از بررسی مواد قانونی و شناسایی وظایف مجمع عمومی فوق‌العاده به آثار و نتایج تفکیک بین ورشکستگی و انحلال شرکت‌های تجاری می‌پردازیم. همان طور که در مقدمه بحث اشاره شد ورشکستگی و انحلال شرکت‌های تجاری دو مفهوم متفاوت (و نه مترادف) بوده و رابطه بین آن‌ها از نوع عموم و خصوص مطلق است: هر ورشکستگی به انحلال شرکت می‌انجامد اما هر انحلالی به ورشکستگی شرکت نمی‌انجامد. انحلال از طریق ورشکستگی

شرکت تجاری اغلب ناشی از سوء مدیریت، بحران‌های اقتصادی، اختلاف میان مدیران و... است اما در مقابل انحلال شرکت اولاً در غالب موارد به اراده شرکای شرکت تجاری صورت می‌گیرد، ثانیاً ابعاد مخرب همچون ورشکستگی را به طور معمول نخواهد داشت. از طرفی در صورت ورشکستگی شرکت، دادستان حق تقاضای صدور حکم ورشکستگی را قطع نظر از ابعاد و میزان دیون شرکت خواهد داشت اما در صورت انحلال شرکت تجاری، دادستان حق تقاضای انحلال را نخواهد داشت. علاوه بر این موارد وظیفه دادگاه نیز در برخورد با انحلال ارادی و انحلال قهری (ورشکستگی) متفاوت است: در انحلال ارادی مطابق ماده ۲۰۴ لایحه^۹ تصفیه از اختیارات مدیران شرکت است اما در انحلال قهری (ورشکستگی) مطابق ماده ۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴ دادگاه موظف است همین که حکم ورشکستگی قابل اجرا شد رونوشت حکم را به اداره تصفیه امور ورشکستگی و اداره ثبت محل بفرستد. در واقع در صورت صدور رای ورشکستگی دادگاه مراتب امر را به اداره تصفیه و ثبت محل اعلام می‌نماید تا باقی مراحل رسیدگی (مهرو موم، دعوت از طلبکاران، ارزیابی اموال و...) در این ادارات صورت گیرد. در انحلال ارادی دادگاه موظف است مصوبه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت را بررسی نماید و رعایت حد نصاب لازم جهت برگزاری مجمع و اتخاذ تصمیم^{۱۰} در مصوبه الزامی است در حالی که در ورشکستگی اصلاً حد نصابی برای رسیدگی دادگاه لازم نیست. علی‌رغم آثار مترتب بر تفکیک این دو مقوله، رویه ناصوابی در حال شکل‌گیری در آرای محاکم حقوقی است بدین صورت که برخی از دادگاه‌ها در صورت ورشکستگی، مصوبه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت را جهت تقاضای صدور حکم ورشکستگی ضروری دانسته‌اند. در ادامه جهت غنای بحث به نقد رای^{۱۱} پرونده‌ای که در شعبه ۸ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع تجاری و بازرگانی شهرستان اصفهان مطرح شده است می‌پردازم. در بخشی از رای آمده است «نظر به این که خواهان شرکت سهامی خاص می‌باشد و حسب ماده ۸۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت تصمیم انحلال

۹- امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای که رای به انحلال می‌دهد ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

۱۰- ماده ۸۴ - در مجمع عمومی فوق‌العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رای دارند باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت و با حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود بشرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. ماده ۸۵ - تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده همواره به اکثریت دو سوم آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.

۱۱- آرای قضایی به ندرت در معرض نقد جامعه حقوقی قرار می‌گیرد. در این مقاله به این بحث پرداخته نمی‌شود و امیدوارم در مقاله دیگری به این بحث بپردازم. در این باره مراجعه شود به: کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد دوم، (۱۳۹۸): ۵۳۳-۶۰۲

شرکت بایست به تصویب مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام برسد و حسب بند ۳ ماده ۱۹۹ قانون تجارت، ورشکستگی از زمره موارد انحلال شرکت سهامی می باشد که مدیران شرکت نسبت به درخواست تشکیل مجمع عمومی فوق العاده و کسب نظر مجمع یاد شده اقدام ننموده اند بنابراین دعوی خواهان به نحو مطروحه قابلیت استماع نداشته قرار رد دعوی خواهان را صادر و اعلام می گردد» رای مذکور دارای اشکالاتی است که در ذیل بدانها اشاره می گردد:

۱- اختلاط بین دو مفهوم انحلال و ورشکستگی با این استدلال که ورشکستگی یکی از طرق انحلال شرکت است مقبول نیست زیرا اگرچه ورشکستگی یکی از طرق انحلال شرکت است اما این دو به یک مفهوم نیستند، مراجع درخواست هر یک از این دو امر متفاوت است، آثار این درخواست متفاوت خواهد بود. با تدقیق در بند ۳ و ۴ ماده ۱۹۹ و ماده ۲۰۰ لایحه اصلاحی ق. ت تفاوت این دو مقوله محرز خواهد بود.

۲- دادگاه با توجه به ماده ۸۳ لایحه اصلاحی ق. ت مصوبه مجمع عمومی فوق العاده را در تقاضای ورشکستگی شرکت تجاری لازم دانسته است با این فرض که چون انحلال پیش از موعد در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده است بنابراین ورشکستگی نیز انحلال پیش از موعد بوده لذا مصوبه مجمع عمومی فوق العاده را احتیاج دارد، حال آن که ورشکستگی از موارد انحلال قهری شرکت است و منوط نمودن بررسی تقاضای صدور حکم ورشکستگی شرکت تجاری به مصوبه مجمع عمومی فوق العاده بر خلاف نص ماده ۸۳ لایحه خواهد بود. از طرفی بند ۴ ماده ۱۹۹ لایحه مصوبه مجمع عمومی فوق العاده را در صورتی که به هر علتی رای به انحلال شرکت توسط مجمع مذکور داده شود الزامی دانسته است، جمع بین این دو مقرر نشان می دهد که فقط در انحلال ارادی مصوبه مجمع عمومی فوق العاده لازم است نه در انحلال قهری (ورشکستگی).

۳- اشکال دیگر این رای به اعتباری است که در صورت عدم تفکیک بین انحلال و ورشکستگی شرکت تجاری به مصوبه مجمع عمومی فوق العاده قایل خواهیم شد: اگر در صورت ورشکستگی شرکت تجاری مصوبه مجمع عمومی فوق العاده را ضروری بدانیم در آن صورت اعتباری بیشتر از حکم دادگاه برای آن قایل نشده ایم؟ اگر دادگاه ورشکستگی را احراز نماید و به آن حکم دهد اما مصوبه مجمع عمومی فوق العاده رای به انحلال ندهد تکلیف چه خواهد بود؟ اصل عدم نیز عدم ضرورت مصوبه مجمع عمومی فوق العاده را تقویت خواهد نمود (رادان جبلی، ۱۳۹۸: ۲۵)

با توجه به استدلال مطروحه انحلال به طریق ورشکستگی بر سایر طرق انحلال غلبه و برتری دارد همان طوری که شعبه ۳۵ دادگاه حقوقی یک تهران در سال ۱۳۶۶ استدلال نموده «در ماهیت قضیه گرچه در ماده ۱۹۹ ق. ت ورشکستگی نیز در ردیف انجام موضوع

یا انقضای مدت شرکت یا تصمیم مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام یا حکم قطعی دادگاه از جمله طرق انحلال به حساب آمده لکن با توجه به ماده ۲۰۰ قانون یاد شده که مقرر می‌دارد انحلال شرکت در صورت ورشکستگی تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است و ماده ۲۰۳ قانون مزبور دایر به این که تصفیه امور شرکت سهامی با رعایت مقررات این قانون انجام می‌گیرد، مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی می‌باشد و ماده ۴۱۵ قانون موصوف مبنی بر این که ورشکستگی تاجر به حکم محکمه بدایت در موارد ذیل اعلام می‌شود... و ماده ۴۲۳ قانون مزبور به این که محکمه در حکم ورشکستگی امر به مهر و موم را نیز می‌دهد و با مستفاد از سایر مقررات قانون تجارت و قانون تصفیه امور ورشکستگی در این باب بدیهی و روشن است که انحلال به علت ورشکستگی مقدم و حاکم بر سایر طرق پیش‌بینی شده در ماده ۱۹۹ ق. ت است. چه ورشکستگی واجد ابعاد و جنبه‌های عمومی و اجتماعی و مقررات راجع به آن نوعاً و لزوماً از مقررات آمره و مربوط به نظم عمومی است به همین لحاظ در بند ۳ ماده ۴۱۵ به دادستان به عنوان نماینده جامعه و به منظور صیانت و حفظ حقوق مردم حق درخواست توقف تفویض... و بر این اساس با حصول حالت توقف تمسک به سایر طرق انحلال مقرر در ماده ۱۹۹ خلاف قانون و متضمن نقض مقررات راجع به نظم عمومی است...» (صقری، حقوق بازرگانی ورشکستگی، ص ۴۱۹)

نتیجه:

انحلال شرکت تجاری به منزله پایان حیات آن است. لازمه انحلال شرکت تجاری تقسیم دارایی شرکت در وهله اول بین طلبکاران و در وهله دوم میان شرکای آن است. یکی از موارد الزامی در تاسیس شرکت تجاری تعیین مدت شرکت است؛ با این حال شرکت‌های تجاری اغلب به مدت نامحدود تشکیل می‌گردند، این امر از مفهوم مخالف بند ۴ ماده ۱۷۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت برداشت می‌شود. چنین شرکتی در میانه راه ممکن است بنا به دلایلی منحل گردد. سه طریق انحلال ارادی، قهری و انحلال ناشی از حکم دادگاه در مواد قانون تجارت و لایحه اصلاحی آن به کرات آمده است. رویه ناصوابی در حال شکل‌گیری در آرای دادگاه‌هاست که ناشی از اختلاط مفاهیم ورشکستگی و انحلال شرکت است، لذا احترام به مقررات ورشکستگی به عنوان قوانین آمره و در ارتباط با نظم عمومی و توجه به فلسفه رسیدگی به دعوای تقاضای صدور حکم ورشکستگی شایسته است مصوبه مجمع عمومی فوق العاده شرکت‌های تجاری را در رسیدگی به چنین دعوایی لازم ندانیم.

منابع:

۱. انصاری، مسعود، طاهری، محمد علی، دانشنامه حقوق خصوصی، چاپ اول، انتشارات محراب فکر، ۱۳۸۴
۲. پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ سیزدهم، انتشارات سمت، ۱۳۹۷
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و نهم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۵
۴. رادان جبلی، علی، سخنرانی کارگاه مرجع صالح در تقاضای صدور حکم ورشکستگی در شرکت‌های سهامی، ۲۷ مرداد ۱۳۹۸، کمیسیون کارآموزی کانون وکلای دادگستری اصفهان
۵. صقری، محمد، حقوق بازرگانی ورشکستگی، چاپ سوم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۶
۶. قربانی لاجوانی، مجید، حقوق تجارت، چاپ بیست و ششم، انتشارات چتر دانش، ۱۳۹۷
۷. کاویانی، کوروش، حقوق تجارت، چاپ پنجم، انتشارات نشر میزان، ۱۳۹۵
۸. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات مجید، ۱۳۹۶

